

**بررسی رابطه بین پارامترهای اقتصاد دانش بنیان و اجتناب از مالیات  
در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران  
دکتر فرزانه نصیرزاده\*  
مژگان خدادادی\*\***

**چکیده**

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین پارامترهای اقتصاد دانش بنیان و اجتناب از مالیات در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ بوده و جامعه آماری این تحقیق در برگیرنده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و تعداد ۱۲۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شده است که با استفاده از مدل رگرسیون مقطعی - زمانی (پانل دیتا) مورد آزمون قرار گرفته است. از متغیر اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و از پارامترهای اقتصاد دانش بنیان، متغیر سرمایه فکری که شامل سه جزء سرمایه انسانی، ساختاری و رابطه ای می باشد به عنوان متغیر مستقل و از شاخص اندازه شرکت، بازده دارایی ها و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. در اقتصاد دانش بنیان به نیروی انسانی توجه می شود که در این پژوهش سرمایه فکری به عنوان مؤلفه بکارگیری نیروی انسانی کارآمد است. نتایج نشان می دهد بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود دارد. هم چنین در این تحقیق به بررسی رابطه بین اجزای سرمایه فکری و اجتناب از مالیات پرداخته شده و طبق نتایج بین سرمایه انسانی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین سرمایه فیزیکی و سرمایه ساختاری رابطه معناداری با اجتناب از مالیات مشاهده نگردید

**واژه های کلیدی:** سرمایه فکری، اجتناب از مالیات، سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، سرمایه ارتباطی

---

\*دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*کارشناس ارشد حسابداری

نویسنده مسئول مقاله: فرزانه نصیرزاده (Email: [nasirzadeh@um.ac.ir](mailto:nasirzadeh@um.ac.ir))

# **Study of the Relationship between Parameters of Knowledge-based Economics and tax avoidance In companies admitted to the Tehran Stock Exchange**

**Farzaneh Nassir Zadeh**

*Associate Professor in Accounting,  
Ferdowsi University of Mashhad*

**Mozhgan Khodadadi**

*Master of Accounting*

## **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the relationship between Parameters of Knowledge-based Economics and tax avoidance during the period from 1388 to 1395. The statistical population of this research includes companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and 125 companies have been selected as sample. The use of the cross-sectional-time regression model (DATA panel) has been tested. The tax evasion variable as an dependent variable and from the parameters of the knowledge economy, the variable intellectual capital, which consists of three components of human capital, structure, and relationship, is used as an independent variable and from the firm size index, return on assets and financial leverage as control variables. In the knowledge economy, attention is paid to human resources. In this research, intellectual capital is used as a component of human resource utilization. Results show that there is a meaningful relationship between intellectual capital and tax evasion. Also, in this research, the relationship between intellectual capital components and tax avoidance has been investigated and there is a meaningful relationship between human capital and tax avoidance, but there is not a significant relationship between tax capital and physical capital and structural capital.

**Key word:** intellectual capital, tax avoidance, Human Capital, Structural capital, Communication capital

## ۱- مقدمه

قرن ۲۱، اقتصاد مبتنی بر دانش است. در دنیای جدید امروزی، دانش به عنوان یک مزیت رقابتی محسوب می‌شود. در بین عوامل تولید، یکی از مهمترین عوامل تولید دانشی است که می‌بایست هدایت و مدیریت شود. سرمایه فکری<sup>۱</sup> موضوع جدیدی است که به لحاظ نظری در چند سال اخیر در سطح جهانی مطرح شده و از آن جایی که منبعی پر ارزش برای کشورها و سازمان‌ها به حساب می‌آید میزان رشد و توسعه آن به سرعت تبدیل به شاخصی در توسعه یافتگی کشورها شده است. سرمایه فکری سرمایه‌ای فراتر از دارایی‌های فیزیکی و دارایی‌های مشهود است. امروزه سهم سرمایه فکری به دلیل تولید دانش و اطلاعات و در نتیجه تولید ثروت در اقتصاد مبتنی بر دانش می‌تواند نقش مهمی در خلق ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی داشته باشد. اهمیت سرمایه فکری با سیر جوامع از عصر صنعتی به عصر اطلاعات، افزایش یافته است. در عصر اطلاعات استفاده کارا از سرمایه فکری است که موفقیت یا شکست واحد تجاری را تعیین می‌کند. در اقتصاد کنونی سرمایه فکری بخش مهمی از ارزش شرکت‌ها محسوب می‌شود. استوارت<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) معتقد است سرمایه فکری، در واقع محرک ارزش در تمام شرکت‌ها و یک مزیت رقابتی برای آنهاست.

در هزاره سوم میلادی که در آن سرمایه فکری غیر مالی، زیربنای اصلی برای پویایی و موفقیت آتی بنگاه‌ها در اقتصاد دانش است، لازم است منابع کلیدی و محرک‌های عملکرد و ارزش در سازمان‌ها توسط مدیران تعیین گردند، زیرا افزایش شناخت و به کارگیری سرمایه فکری به شرکت کمک می‌کند تا کارا تر، اثربخش تر، پربازده تر و نوآور تر باشند و گامی در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی شرکت‌ها بردارند. چرا که اگر افراد هوشمند باشند به سراغ راهکارهای اجتناب مالیاتی<sup>۳</sup> می‌روند و به روش‌های گوناگون سعی در کاهش سود قبل از مالیات به منظور کاهش مالیات پرداختی دارند.

اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی، از جمله ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آنها استفاده نمایند. اجتناب مالیاتی می‌تواند قضیه پرداخت مالیات را کلاً منتفی نماید. از ابعاد و ریشه‌های اجتناب مالیاتی می‌توان تقلب در حسابداری را نام برد که برخی از مودیان مالیاتی در جهت کاهش مالیات پرداختی به دولت در فعالیت‌های اقتصادی خود به آن متوسل می‌شوند (زهی، محمدخانی، ۱۳۸۹).

در این تحقیق سعی شده رابطه بین پارامترهای اقتصاد دانش بنیان و اجتناب از مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. لذا در ابتدا به ادبیات موضوع پرداخته و سپس مروری بر پیشینه تحقیقات انجام شده خواهیم داشت. پس از آن مدل مورد استفاده فرضیات تحقیق، متغیرهای تحقیق، جامعه آماری و نمونه آماری معرفی و در آخر نیز فرضیات به کمک آزمون‌های آماری بررسی می‌شود.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- تعریف اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که کاربرد دانش و اطلاعات در آن اهمیت بالایی داشته و تولید و توزیع مبتنی بر آن شکل گرفته و سرمایه گذاری در صنایع با محوریت دانش مورد توجه خاصی قرار گرفته است.

پیدایش اقتصاد دانشی باعث افزایش معروفیت سرمایه فکری به عنوان یک موضوع تحقیقاتی و کسب کار شده است.

در اقتصاد دانشی، موفقیت سازمان‌ها به توانایی مدیریت این دارایی‌های نامشهود بستگی دارد، همچنین، دانش یا سرمایه فکری به عنوان یک عامل تولید ثروت در مقایسه با سایر دارایی‌های مشهود و فیزیکی ارجحیت بیشتری پیدا می‌کند.

در اقتصاد دانشی، مهمترین دارایی‌ها و عوامل تولید شرکت‌ها نامشهود هستند که استفاده از آنها، از ارزش آنها کم نمی‌کند و حتی به ارزش آنها نیز می‌افزاید. این نوع دارایی‌های نامشهود شامل دانش، سرمایه فکری و ... هستند که شرکت‌ها نه تنها نیاز دارند تا دارایی‌های نامشهود خود را شناسایی، اندازه‌گیری و مدیریت کنند بلکه باید همواره سعی کنند تا این دارایی‌های نامشهود را به طور مستمر ارتقا و بهبود بخشند. سازمان‌هایی که نتوانند دارایی‌های دانشی خود را به طور مستمر ارتقا دهند، بقای خود را با خطر از دست دادن و فناى خود، مبادله خواهند کرد.

### ۲-۲- تعریف سرمایه فکری

ادویسنون و مالون<sup>۴</sup>، سرمایه فکری را «اطلاعات و دانش به کار برده شده برای کار کردن، در جهت ایجاد ارزش» تعریف می‌کنند (واسیله<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸ به نقل از دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸). استوارت اعتقاد دارد سرمایه فکری مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات، دارایی‌های فکری، تجربه،

رقابت و یادگیری سازمانی است که می‌تواند برای ایجاد ثروت به کار گرفته شود. در واقع سرمایه فکری تمامی کارکنان، دانش سازمانی و توانایی‌های آن را برای ایجاد ارزش افزوده در برمی‌گیرد و باعث منافع رقابتی مستمر می‌شود (قلیچ‌لی و مشبکی، ۱۳۸۵).

سرمایه فکری دارایی است که توانایی سازمان را برای ایجاد ثروت اندزه‌گیری می‌کند.

### ۱-۲-۲- سرمایه انسانی<sup>۶</sup>

در ابتدای دهه ۶۰ میلادی گری بیکر نامزد دریافت نوبل ۱۹۹۲، در اقتصاد، وجود نیروی انسانی متخصص را شناسایی کرد. او این مساله را مطرح کرد که مخارج مربوط به تحصیلات، آموزش و سلامت کارکنان باعث ایجاد نیروی انسانی متخصص می‌شود. سرمایه انسانی قابل انتقال است و به یک شرکت خاصی تعلق ندارد زیرا کارکنان مالک سرمایه انسانی خود هستند. مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده سرمایه انسانی سازمان، مجموعه مهارت‌های نیروی کار، عمق و وسعت تجربه آنهاست.

سرمایه انسانی انباشت توانمندی‌های افراد مسئول به منظور ایجاد راه حل‌های مناسب برای مشتریان می‌باشد. سرمایه انسانی نشان دهنده‌ی موجودی دانش افراد یک سازمان است (بنتیس، ۲۰۰۲).

استوارت (۱۹۹۷) سرمایه انسانی را مهم‌ترین دارایی سازمانی تلقی می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود شرکت‌هایی که از سرمایه فکری و انسانی بالاتری برخوردارند عملکرد مالی آنها نیز بالاتر باشد. سرمایه انسانی برخوردار از تفکرات است. هدف اولیه از سرمایه انسانی، نوآوری در کالاها و خدمات و نیز بهبود فرایندهای تجاری است (موریتسن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲).

از نظر بنتیس و همکارانش (۲۰۰۴) در بین اجزای سرمایه فکری، سرمایه انسانی اهمیت بیشتری دارد، زیرا سرمایه انسانی نوآوری و بازسازی راهبردی شرکتهاست که از طریق بهبود مهارت‌های انسانی حاصل می‌شود.

### ۲-۲-۲- سرمایه ساختاری<sup>۸</sup> (سازمانی)

سرمایه ساختاری که به ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی و ساختاری منجر می‌گردد می‌تواند باعث ایجاد منطق و دانش تجاری گردد. سرمایه ساختاری شامل انواع دانش‌هایی مانند فرایندهای سازمانی یا ساختار سازمانی، استراتژی‌های شرکت، فرایند ایجاد اطلاعات و پایگاه‌های اطلاعاتی

است. سرمایه انسانی جزء فاکتورهای اصلی برای توسعه سرمایه ساختاری است و در واقع سرمایه ساختاری به سرمایه انسانی، یا وجود خلاقیت و دانش تئوریک، بستگی دارد. روس و همکاران سرمایه ساختاری را دانشی که هنگام رفتن کارکنان به منزل به عنوان بازده آنها در شرکت باقی می ماند، تعریف می کنند.

### **۳-۲-۲- سرمایه ارتباطی<sup>۹</sup> (مشتری)**

سرمایه ایجاد ارتباط سومین قسمت سرمایه فکری است. سرمایه ارتباطی عبارتست از توانایی یک سازمان در ایجاد ارتباطی مثبت با اعضای انجمن‌های تجاری جهت استفاده از پتانسیل شرکت برای ایجاد ارزش که به وسیله بالا بردن سرمایه‌های انسانی و ساختاری ایجاد می‌گردد. سرمایه ارتباطی نشان دهنده توانایی بالقوه یک سازمان به خاطر عوامل نامشهود بیرونی‌اش است. سرمایه ارتباطی شامل وابستگی‌های برون سازمانی مانند وفاداری‌های مشتریان، حسن شهرت و روابط شرکت با تامین کنندگان منابع آن می‌باشد. این موضوع از طریق ارزش دریافتی یک مشتری از انجام داد و ستد با سازمان تعریف می‌شود (مالکم، ۲۰۰۲).

### **۳-۲-۳- تعریف اجتناب از مالیات**

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هانلون و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی شامل زنجیره‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش رونده از اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمان می‌گردد (هانلون و هیتزمنون<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹).

### **۳-۳- مروری بر پیشینه پژوهش**

#### **۳-۱- پیشینه خارجی**

زیگال و مالول<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۰)؛ با انجام پژوهشی در بریتانیا به این نتیجه رسیدند که سرمایه فکری تاثیر مثبتی بر عملکرد اقتصادی و مالی دارد. اما در رابطه سرمایه فکری و عملکرد بازار سهام تنها برای صنایعی با تکنولوژی بالا معنادار است.

چن و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۰)؛ نشان دادند که اجتناب از پرداخت مالیات به طور مثبتی با سقوط قیمت سهام رابطه دارد. این نتیجه با این دیدگاه که اجتناب از پرداخت مالیات، امکان خارج کردن منافع مدیریتی و پنهان کردن اخبار بد از طریق فراهم کردن ابزارها، نقاب‌ها و حوزه‌هایی برای این رفتار فرصت طلبانه را فراهم می‌کند، سازگاری دارد.

مادیتینس و همکاران<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۱)؛ نشان دادند که میان سرمایه فکری با عملکرد مالی و بازار سهام رابطه معناداری وجود ندارد، ولی میان سرمایه انسانی و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری برقرار است.

ریگو و ویلسون<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۲)؛ معتقدند اجتناب مالیاتی یک فعالیت پر مخاطره است و می‌تواند هزینه‌های مهمی نظیر پرداخت دستمزد متخصصان مالیات، زمان تخصیص داده شده به شفاف سازی حسابرسی مالیاتی و جرایم پرداختی به متصدیان مالیاتی را به شرکت و مدیران تحمیل کند. لذا مدیران خطرگریز ترجیح می‌دهند برنامه‌ریزی‌های مالیاتی کم خطرتری را طرح ریزی کنند.

ریچاردسون و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۴)؛ به این موضوع پرداختند که آیا مشوق‌های اعطایی به مدیران، باعث کاهش اجتناب مالیاتی می‌گردد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که موقعیت مالیاتی شرکت، تخصص مالی مدیران و مشوق‌های پاداشی وابسته به عملکرد مدیران، به طور مثبت و قابل توجهی در تداعی با اجتناب مالیاتی می‌باشند.

سومدری<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۴)؛ در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت‌ها با استفاده از مدل ضریب ارزش افزوده فکری در یک دوره بحرانی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه ساختاری و سرمایه انسانی یکی از عوامل مهم در توسعه شرکت‌ها محسوب می‌شود، در حالی که سودآوری شرکت‌ها تحت تاثیر سرمایه مالی آنها قرار دارد.

کوییک و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۵)؛ به بررسی رابطه بین قدرت بازار محصول و اجتناب مالیاتی و همچنین تأثیری که این رابطه بر بازدهی و آگاهی دهنده‌گی سهام دارد، پرداختند. آنها نشان دادند که شرکت‌های با قدرت بازار محصول بیشتر، اجتناب مالیاتی بیشتری انجام می‌دهند. همچنین نشان دادند که شرکت‌های با قدرت بازار محصول بیشتر و اجتناب مالیات نقدی بالاتر، دارای آگاهی دهنده‌گی قیمت سهام پایین‌تر بوده و سرمایه‌گذاران برای جبران ریسک مرتبط با اجتناب مالیات نقدی به نسبت بالا، بازده بیشتر طلب می‌کنند.

نصیف اوزکان و همکاران<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۶)؛ ارتباط بین عملکرد سرمایه فکری و عملکرد مالی ۴۴ بانک فعال در ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ را از طریق ضریب ارزش افزوده VAIC اندازه‌گیری کردند. آنها VAIC را به اجزای آن تقسیم کردند و به این نتیجه رسیدند که بین ارزش افزوده ضریب سرمایه فکری VAIC و اندازه‌گیری عملکرد مالی بانک‌های ترکیه (ROA) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و بین ضریب کارایی سرمایه به کار گرفته شده (CEE) و اندازه‌گیری عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و بین ضریب کارایی سرمایه انسانی (HCE) و اندازه‌گیری عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و همچنین بین ضریب کارایی سرمایه ساختاری (SCE) و اندازه‌گیری عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌های فکری در بخش بانکداری ترکیه در درجه اول توسط انسان (ضریب کارایی سرمایه انسانی HCE) تحت تاثیر قرار می‌گیرد و کارایی سرمایه به کار گرفته شده CEE و کارایی سرمایه ساختاری SCE در مقایسه با HCE در ایجاد ارزش کمتر موثر هستند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های دیگر پژوهشگران همچون گو<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۵) و جوشی و همکاران (۲۰۱۳ و ۲۰۱۰) نتایج مشابهی دارد.

حیرانی و همکاران (۲۰۱۶)؛ در مطالعه خود به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و مدل‌های کسب و کار پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق با تحقیقات نمازی و ابراهیمی (۲۰۰۹) و چانگ و هیسه<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۱) سازگار است. نتایج سرمایه فکری بر اساس مدل پالیک نشان داد که صرف نظر از اندازه شرکت، ساختار بدهی و عملکرد مالی گذشته، بین سرمایه فکری فعلی و آینده و عملکرد مالی هر دو در سطح تمام شرکت‌ها و صنعت رابطه مثبت وجود دارد.

ماریا گوگان و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۶)؛ در تحقیق خود به بررسی تاثیر سرمایه انسانی، ساختاری و رابطه‌ای سرمایه فکری بر عملکرد سازمانی پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بین سه عنصر سرمایه فکری و عملکرد آنها وابستگی‌های متقابل وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که مدل ارائه شده برای ارزیابی سرمایه فکری تاثیر مثبتی بر عملکرد سازمانی این شرکت‌ها دارد.

رضایی احمدآبادی و همکاران (۲۰۱۶)؛ پژوهش خود را با هدف بررسی تاثیر ابعاد مثبت سرمایه روان شناختی و سرمایه اجتماعی بر سرمایه فکری صورت دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که



ابعاد مثبت سرمایه روان شناختی شامل (خوش بینی، امیدواری، انعطاف پذیری و خودکارآمدی) و سرمایه اجتماعی است که تاثیر مثبت و معناداری بر سرمایه فکری دارند.

ملس و همکاران<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۶)؛ به بررسی تاثیر بهره‌وری سرمایه فکری بر عملکرد بانک‌های تجاری امریکا پرداختند، و دریافتند که بهره‌وری در استفاده از سرمایه فکری تاثیرات مثبتی بر عملکرد مالی بانک‌های ایالات متحده دارد. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که بهره‌وری سرمایه انسانی، به عنوان یکی از مولفه‌های بهره‌وری سرمایه فکری، تاثیر بیشتری روی عملکرد مالی نسبت به سایر اجزای سرمایه فکری دارد.

پارک و همکاران<sup>۲۴</sup> (۲۰۱۶)؛ به بررسی رابطه توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی پرداختند. آنان دریافتند که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، رابطه منفی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. فریرا و فرانکو<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۷)؛ به بررسی اثر مداخله کننده سرمایه فکری بر رابطه بین اتحاد استراتژیک و عملکرد سازمانی پرداختند. نتایج بدست آمده بر اساس یک مدل ساختاری نشان می‌دهد که اتحاد استراتژیک و سرمایه فکری، عملکرد سازمانی شرکت‌های مورد مطالعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

چی، سینگ لیو<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۷)؛ در مطالعه خود به بررسی اثر سرمایه فکری (IC) منسوب به روابط عملکرد کلی سازمان فرهنگی و خلاق (CCOS) می‌پردازد. وی استدلال می‌کند که میان انواع سرمایه‌های فکری روابط متقابل وجود دارد. علاوه بر این سرمایه اجتماعی نقش یک واسطه مهم را در روابط بین IC و عملکرد CCO دارد. همچنین، کسب و کار نقش تعدیل کننده و مثبتی دارد و عدم اطمینان محیطی اثرات منفی بر سرمایه اجتماعی و عملکرد CCO دارد.

## ۲-۳- پیشینه داخلی

نمازی و ابراهیمی (۱۳۸۸)؛ به بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که صرف نظر از اندازه شرکت، ساختار بدهی و عملکرد مالی گذشته، بین سرمایه فکری و عملکرد مالی جاری و آینده شرکت، هم در سطح کلیه شرکت‌ها و هم در سطح صنایع رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲)؛ نشان دادند رابطه مثبت و معناداری بین سطح اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی وجود دارد. نتیجه آن تحقیق نشان می‌داد دولت تمایل دارد از شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی می‌نمایند، مالیات بیشتر اخذ نماید؛ در نتیجه سیاست کاهش مالیات به وسیله استراتژی اجتناب مالیاتی ممکن است کارایی لازم را برای این شرکت‌ها نداشته باشد.

دستگیر و همکاران (۱۳۹۳)؛ به بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از این بود که بین سرمایه فکری با نسبت کیوتوبین (به عنوان شاخص عملکرد) رابطه معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد که بین سرمایه فکری و دو شاخص دیگر عملکرد مالی (نسبت های قیمت به درآمد هر سهم و نرخ رشد) رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان بیان نمود که در شرکت‌های مورد مطالعه با افزایش و بهبود سرمایه فکری می‌توان عملکرد مالی را ارتقاء بخشید.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۳)؛ در پژوهش خود به بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

سربازی و ابراهیمی (۱۳۹۵)؛ به بررسی اثر تعاملی سرمایه فکری و اجزای آن و کارایی سرمایه گذاری بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. نتایج بدست آمده بیانگر ارتباط مثبت و معناداری بین اثر تعاملی ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری و اجزای آن شامل کارایی سرمایه ارتباطی و ساختاری و کارایی سرمایه گذاری بر ارزش شرکت می‌باشد.

ابراهیمی و جهانشاهی (۱۳۹۵)؛ در پژوهش خود به بررسی رابطه سرمایه فکری و متغیرهای اثرگذار بر روی تصمیمات سرمایه گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که بین سرمایه فکری و سود هر سهم، همچنین بین سرمایه فکری و ریسک سیستماتیک هر سهم رابطه مثبت و معنادار و بین سرمایه فکری و نسبت قیمت به سود هر سهم رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

## ۴- فرضیه‌های پژوهش

### ۱- بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۱-۱- بین سرمایه انسانی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۱-۲- بین سرمایه ساختاری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۱-۳- بین سرمایه ارتباطی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.

## ۵- روش پژوهش

اطلاعات مربوط به بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های علمی و مقالات جمع‌آوری خواهد شد. داده‌های کمی پژوهش نیز عموماً از طریق مراجعه به صورت-های مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار ره آورد نوین و سایر بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران بدست خواهد آمد. و در نهایت، تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها به کمک نرم‌افزار R صورت خواهد پذیرفت.

## ۶- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در سطح صنایع، طی دوره زمانی ۸۸ تا ۹۵ می‌باشد.

نمونه تحقیق شامل شرکت‌هایی است که براساس شرایط و ویژگی‌های زیر از جامعه آماری مزبور استخراج گردیده است:

شرکت‌هایی که دوره مالی‌شان منتهی به پایان اسفند هر سال باشد. این محدودیت به منظور افزایش توان مقایسه پذیری اعمال گردید.

شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای دوره زمانی مذکور به طور کامل در دسترس باشد.

شرکت‌های انتخاب شده در زمره‌ی شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ نباشند. این محدودیت به دلیل تفاوت ساختار مالی و گزارشگری این گونه شرکت‌ها از دیگر شرکت‌های بورسی اعلام شده است.

شرکت‌هایی که توقف نماد معاملاتی بیش از سه ماه در هر سال نداشته باشند.

با توجه به مجموعه شرایط یاد شده تعداد ۱۲۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ دارای شرایط فوق بودند که به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

## ۷- الگوی پژوهش

مدل اول تحقیق: فرضیه اول

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{VIAC}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it}$$

مدل دوم تحقیق: فرضیه دوم تا چهارم

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CCE}_{it} + \beta_2 \text{HCE}_{it} + \beta_3 \text{SCE}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it}$$

## ۸- متغیرهای پژوهش

۸-۱- **متغیرهای مستقل:** سرمایه فکری (VIAC<sub>it</sub>) می‌باشد که شامل سرمایه انسانی (HCE<sub>1t</sub>)، سرمایه ساختاری (SCE<sub>2t</sub>) و سرمایه ارتباطی (CCE<sub>3t</sub>) می‌باشد.

۸-۲- **متغیر وابسته:** متغیر وابسته، اجتناب مالیاتی است که از اختلاف بین مالیات ابرازی و مالیات قطعی شرکت بدست می‌آید.

### ۸-۳- متغیرهای کنترلی:

Size<sub>it</sub>: لگاریتم طبیعی فروش و شاخص اندازه شرکت است؛

ROA<sub>it</sub>: نسبت سود خالص به دارایی؛

LEV: اهرم مالی: نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها؛

## ۹- نتایج آزمون فرضیه ها

مدل اول تحقیق: فرضیه اول

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{VIAC}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it}$$

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

نگاره ۴-۱

نماد	متغیر	برآورد	خطای معیار	آماره t	p- مقدار
(Intercept)	مقدار ثابت	-۳,۶۷۴۳	۰,۹۶۹۷	-۳,۹۳۷۳	۰,۰۰۰۱
VAIC	سرمایه فکری	۰,۰۵۳۷	۰,۰۲۴۳	۲,۵۷۰۱	۰,۰۲۰۷
lev	اهرم مالی	۰,۱۷۶۳	۰,۶۶۵۵	۰,۱۸۷۹	۰,۸۶۴۳
size	اندازه شرکت	۲,۰۰۳۵	۰,۱۷۵۵	۱۲,۸۳۱۱	< ۰,۰۰۱
ROA	بازده دارایی ها	-۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۸۹	-۰,۰۵۳۴	۰,۸۶۵۷

در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در نگاره ۴-۱، از آن جایی که p - مقدار متغیر سرمایه فکری (۰/۰۲۰۷) کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ و برآورد ضریب آن ۰/۰۵۳۷ است، در نتیجه رابطه مثبت و معنی‌داری بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات در سطح خطای ۵ درصد وجود دارد، در نتیجه فرضیه اول تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

مدل دوم تحقیق : فرضیه دوم تا چهارم

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CCE}_{it} + \beta_2 \text{HCE}_{it} + \beta_3 \text{SCE}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it}$$

نتایج مدل دوم تحقیق

نگاره ۲-۴

نماد	متغیر	برآورد	خطای معیار	آماره t	-p مقدار
(Intercept)	مقدار ثابت	-۳,۶۴۳۱	۰,۸۴۳۷	-۳,۸۰۹۱	۰,۰۰۰۲
CEE	سرمایه فیزیکی	-۰,۳۰۳۹	۰,۱۹۷۰	-۱,۱۲۸۳	۰,۲۹۵۷
HCE	سرمایه انسانی	۰,۰۵۳۶	۰,۰۲۱۲	۲,۶۷۰۴	۰,۰۰۵۸
SCE	سرمایه ساختاری	-۰,۰۵۹۷	۰,۲۳۵۸	-۰,۲۴۸۹	۰,۸۱۹۵
lev	اهرم مالی	۰,۱۳۲۷	۰,۶۴۸۳	۰,۱۵۹۴	۰,۸۶۷۳
size	اندازه شرکت	۲,۰۰۵۹	۰,۱۵۴۷	۱۲,۸۹۶۳	<۰,۰۰۱
ROA	بازده دارایی ها	۰,۰۰۱۷	۰,۰۰۹۵	۰,۱۳۲۱	۰,۸۹۴۹

نتایج فرضیه دوم تحقیق

نگاره ۳-۴

نماد	متغیر	برآورد	خطای معیار	آماره t	-p مقدار
(Intercept)	مقدار ثابت	-۳,۷۲۵۹	۰,۸۶۲۰	-۳,۹۵۰۱	۰,۰۰۰۱
HCE	سرمایه انسانی	۰,۰۵۸۳	۰,۰۳۱۰	۲,۷۵۳۴	۰,۰۰۷۳
lev	اهرم مالی	۰,۱۴۸۹	۰,۶۷۳۳	-۰,۲۲۹۹	۰,۸۴۳۳
size	اندازه شرکت	۲,۰۰۹۸	۰,۱۷۵۱	۱۲,۹۷۳۳	<۰,۰۰۱
ROA	بازده دارایی ها	-۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۹۴	-۰,۰۳۸۳	۰,۹۹۳۶

با توجه به نگاره ۴-۳ از آنجا که  $p$ - مقدار متغیر سرمایه انسانی (۰/۰۰۷۳) کمتر از سطح خطای ۵ درصد و برآورد ضریب آن ۰/۰۵۸۳ است در نتیجه رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه انسانی و اجتناب از مالیات وجود دارد و فرضیه دوم تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

نتایج فرضیه سوم تحقیق

#### نگاره ۴-۴

نماد	متغیر	برآورد	خطای معیار	آماره t	p- مقدار
(Intercept)	مقدار ثابت	-۳,۶۴۳۴	۰,۹۵۵۰	-۳,۷۹۹۳	۰,۰۰۰۱
HCE	سرمایه انسانی	۰,۰۵۹۳	۰,۰۲۱۳	۲,۷۶۳۸	۰,۰۰۵۸
SCE	سرمایه ساختاری	-۰,۰۶۷۱	۰,۰۲۳۹۰	-۰,۲۷۹۹	۰,۷۸۵۲
lev	اهرم مالی	۰,۱۵۴۸	۰,۰۶۵۸۲	۰,۲۱۷۶	۰,۸۴۳۹
size	اندازه شرکت	۲,۰۰۹۸	۰,۱۷۵۲	۱۲,۹۷۳۳	<۰,۰۰۱
ROA	بازده دارایی‌ها	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰۹۵	۰,۰۲۵۵	۰,۹۸۶۷

با توجه به نگاره ۴-۴ از آنجا که  $p$ - مقدار متغیر سرمایه ساختاری (۰/۷۸۵۲) بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است در نتیجه متغیر معنادار نیست بنابراین بین سرمایه ساختاری و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه سوم تحقیق مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

نتایج فرضیه چهارم تحقیق

#### نگاره ۵-۴

نماد	متغیر	برآورد	خطای معیار	آماره t	p- مقدار
(Intercept)	مقدار ثابت	-۳,۵۷۱۲	۰,۹۶۹۹	-۳,۷۹۵۹	۰,۰۰۰۲
CEE	سرمایه فیزیکی	-۰,۲۱۵۶	۰,۱۸۱۹	-۱,۱۳۶۳	۰,۲۷۳۵
HCE	سرمایه انسانی	۰,۰۵۷۷	۰,۰۲۰۹	۲,۷۵۸۰	۰,۰۰۵۸
lev	اهرم مالی	۰,۱۳۵۴	۰,۰۶۴۴۳	۰,۱۸۹۹	۰,۸۴۳۴
size	اندازه شرکت	۲,۰۰۴۵	۰,۱۵۴۶	۱۲,۹۶۵۳	<۰,۰۰۱

ROA	بازده دارایی ها	۰,۰۰۰۸	۰,۰۰۹۴	۰,۰۸۸۲	۰,۹۴۳۷
-----	-----------------	--------	--------	--------	--------

با توجه به نگاره ۴-۵ از آنجا که  $p$ -مقدار متغیر سرمایه فیزیکی (۰/۲۷۳۵) بیشتر از سطح خطای ۵ درصد است در نتیجه متغیر معنادار نیست بنابراین بین سرمایه ارتباطی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه چهارم تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد.

#### نگاره ۴-۶

شماره	فرضیه	نتیجه
۱	بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.	تایید
۱-۱	بین سرمایه انسانی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.	تایید
۲-۱	بین سرمایه ساختاری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.	عدم تایید
۳-۱	بین سرمایه ارتباطی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد.	عدم تایید

### ۱۰- خلاصه و نتیجه گیری

امروزه تعداد زیادی از شرکتها در سرتاسر جهان دریافته‌اند که اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه فکری می‌تواند برای آنها مزیت رقابتی را ایجاد نماید و عملکرد فعلی و آتی شرکت را بهبود بخشد، به گونه‌ای که شرکتها می‌توانند با اتکاء به آن خود را از سایر واحدهای تجاری متمایز نمایند. سرمایه فکری یک شرکت مجموع سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی آن است. داشتن کنترل بر این دارایی‌ها سازمان را قادر می‌سازد از یک طرف حاکمیت داخلی موثری داشته و از طرف دیگر، دارای روابط خارجی موفق با مشتریان و تامین کنندگان و سایرین باشد. اما علاوه بر نقش غیر قابل انکار سرمایه فکری در موفقیت بنگاه‌ها، این دارایی اهمیت روزافزونی برای بازار سرمایه، تصمیم‌گیرندگان و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی پیدا کرده است. همچنین مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که شرکتها تمایل به کاهش تعهدات مالیاتی خود دارند. اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند مورد استفاده شرکتها قرار گیرد و با کاهش مالیات، عملکرد و ارزش شرکت را بهبود بخشد. افزایش شناخت و به کارگیری سرمایه فکری به شرکت کمک می‌کند تا کاراتر، اثربخش‌تر، پربازده‌تر و



نوآورتر باشند و گامی در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی شرکت‌ها بردارند. چرا که اگر افراد هوشمند باشند به سراغ راهکارهای اجتناب مالیاتی ۲۷ می‌روند و به روش‌های گوناگون سعی در کاهش سود قبل از مالیات به منظور کاهش مالیات پرداختی دارند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر است:

فرضیه ۱: بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد: در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده از آنجایی که  $p < 0.05$  مقدار متغیر سرمایه فکری  $(0.0207)$  کمتر از سطح خطای  $0.05$  است، در نتیجه رابطه مثبت و معنی‌داری بین سرمایه فکری و اجتناب از مالیات در سطح خطای  $5\%$  وجود دارد، در نتیجه فرضیه اول تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۱-۱: بین سرمایه انسانی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد: از آنجاکه  $p < 0.0583$  مقدار متغیر سرمایه انسانی  $(0.073)$  کمتر از سطح خطای  $5\%$  درصد و برآورد ضریب آن دارد و فرضیه دوم تحقیق مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه ۲-۱: بین سرمایه ساختاری و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد: از آنجا که  $p > 0.07852$  مقدار متغیر سرمایه ساختاری  $(0.07852)$  بیشتر از سطح خطای  $5\%$  درصد است در نتیجه متغیر معنادار نیست بنابراین بین سرمایه ساختاری و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه سوم تحقیق مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه ۳-۱: بین سرمایه ارتباطی و اجتناب از مالیات رابطه معنادار آماری وجود دارد: از آنجا که  $p > 0.02735$  مقدار متغیر سرمایه فیزیکی  $(0.02735)$  بیشتر از سطح خطای  $5\%$  درصد است در نتیجه متغیر معنادار نیست بنابراین بین سرمایه فیزیکی و اجتناب از مالیات رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه چهارم تحقیق مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

## ۱۱- پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- ۱- استفاده از سایر مدل‌های سنجش سرمایه فکری و آزمون آنها با اجتناب مالیاتی
- ۲- بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و سرمایه فکری

- ۳- این تحقیق را می‌توان با در نظر گرفتن یک صنعت خاص مورد بررسی قرار داد.
- ۴- بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی با کیفیت گزارشات مالی شرکت‌ها
- ۵- بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌های غیر بورسی
- ۶- بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ساختار حاکمیت شرکتی در کشور
- ۷- بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی در شرکت‌ها
- ۸- بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و مدیریت سود در شرکت‌ها

## ۱۲- محدودیت‌های پژوهش

در فرآیند تحقیق علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می‌باشد، ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. برخی از این محدودیت‌ها ذاتی و برخی ناشی از شرایط محیطی و محدودیت زمانی تحقیق می‌باشد. ضرورت دارد نتایج تحقیق علمی، با مدنظر قرار دادن محدودیت‌های موجود مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر بوده است:

- ۱- با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تسری نتایج به سایر واحدهای اقتصادی باید با احتیاط انجام شود.
- ۲- محدودیت در دسترسی به اطلاعات مالیاتی واحدهای تجاری با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از سوی سازمان امور مالیاتی. به طور مثال سازمان امور مالیاتی در رسیدگی به اظهارنامه‌های مالیاتی طبق قانون مالیات‌های مستقیم دیرتر عمل می‌کند. در نتیجه دسترسی به مالیات‌های قطعی مودیان حقوقی بسیار سخت و دشوار است.

- 
- 1 . Intellectual Capital
  - 2 . Stewart
  - 3 . Tax avoidance
  - 4 . Edvinsson and Malone
  - 5 . Wasilleh
  - 6 . Human Capital
  - 7 . Mouritsen
  - 8 . Structural capital
  - 9 . Communication capital
  - 10 . Hanlon et all
  - 11 . Hanlon and Heitzman
  - 12 . Zigale and Malloll
  - 13 . Chen et all
  - 14 . Muditisen et all
  - 15 . Riggo and Wilson
  - 16 . Richardson et all
  - 17 . Soumadri
  - 18 . Kubik et all
  - 19 . Nisif Ozakan et all
  - 20 . Gou
  - 21 . Chang and Hiseh
  - 22 . Maria Gogan et all
  - 23 . Mills et all
  - 24 . Park et all
  - 25 . Fira and Frankow
  - 26 . Qi, Singh Liu
  - 27 . Tax avoidance

---

## منابع و ماخذ

۱. ابراهیمی سروعلیا، محمدحسن؛ جهانشاهی، جواد (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه فکری و متغیرهای اثرگذار بر تصمیمات سرمایه گذاران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۴۹، ص ۵۳-۸۲.
۲. دستگیر، محسن؛ عرب صالحی، مهدی؛ امین جعفری، راضیه؛ اخلاقی، حسنعلی (۱۳۹۳). "تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت". پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۱، بهار ۹۳، صص ۳۶-۱.
۳. دستگیر، محسن؛ محمدی، کامران (۱۳۸۸). "سرمایه فکری؛ گنج تمام نشدنی سازمان". ماهنامه تدبیر، (۲۱۴): ۲۸-۳۴.
۴. زهی، نقی؛ محمدخانی، شهرزاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، پژوهشنامه مالیات، شماره ۹، ص ۲۵-۶۰.
۵. سربازی آزاد، صادق؛ ابراهیمی، سید کاظم (۱۳۹۵). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر سود مبتنی بر ارقام تعهدی.
۶. قلیچ لی، بهروز؛ هجاری، زیاءالدین؛ رحمان پور، لقمان (۱۳۸۸)، طراحی مدل اندازه‌گیری و گزارش‌دهی سرمایه فکری، نشریه چشم انداز مدیریت، شماره ۳۲، ص ۱۵۰-۱۳۱.

- 
۷. مهران، ساسان و سیدی، سید جلال (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. سال سوم. شماره دهم. صص ۱۳-۳۳.
۸. مهران، ساسان و سیدی، سید جلال (۱۳۹۳). بررسی رابطه حسابداری محافظه کارانه و اختلاف بین مالیات تشخیصی و قطعی با مالیات ابرازی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشهای نوین در حسابداری. پاییز ۱۳۹۲ - شماره یک. صص ۵۶-۷۲.
۹. نمازی، محمد و ابراهیمی، شهلا (۱۳۸۸). "بررسی تاثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی جاری و آینده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴، زمستان ۸۸.

10. Bontis, N., Dargonetti, N, C., Jacobsen ,K. and Roos , G. (1999), "The knowledge toolbox: A review of the tools available to measure and manage intangible resource ", European Management Journal , Vol .17 No.4 , pp.391-402.
11. Bontis , n (2003), "national intellectual capital index : The Benchmarking of Arab Countries" , United Nations Development Project. Ne York.
12. Bontis, N., keow, W,C,C. and Richardson, S. (2000), "Intellectual capital and Business performance in Malaysian Industries", Journal of Intellectual capital, Vol. 1 No. 1, pp. 85-100.
13. Bontis , N (1998), "Intellectual capital : An Exploratory Study That Develops Measures and Models" , Management Decision , Vol.36 , No. 2 , pp 63-76.
14. Bontis, N. (1996), "There's a price on your head : managing intellectual capital steate gically", Business Quarterly, Summer, pp.40-47.

- 
15. Chen goh , (2005) ,”Intellectual capital performance of commercial banks in Malaysia “, Journal of intellectual capital, Vol.6. No.3,2005 pp.385-396, [www.emeraldinsight.com/1469-1930.htm](http://www.emeraldinsight.com/1469-1930.htm).
  16. Chen, J. Zhu, Z and Xie, Y, H (2004)."Measuring intellectualcapital: a new model and empirical study".Journal of intellectual capital,Vol. 5 No 1, pp 85-100.
  17. Chen,K , Chu,C, (2005), Internal Control vs. External Manipulation: A Model of Corporate Income Tax Evasion" ,RAND Journal of Economics.
  18. Chen, M.C, andCheng, S.J,and hwang, Y. (2005)."An empirical investigation of the relationship between intellectual capital and firm s market value and financial performance". Journal of intellectual capital, vol 6, 159-176.
  19. Chen, Y. & Zolotoy, L. (2014). Stock Liquidity and Corporate Tax-Avoidance: The Tale of Two Tails. Available at [ssrn.com](http://ssrn.com).
  20. Edvinsson , L and Malone , m (1997) , Intellectual capital : realizing your companys true value by Finding its Hidden Prower”, Harper Collins Publisher Inc , New york , NY.
  21. Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). "A review of tax research." *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 127–178.
  22. Hanlon, M., and S. Heitzman (2009). A Review of Tax Research. Working Paper. Massachusetts Institute of Technology.
  23. Maditinos, D. , Chatzoudes, D. , Tsairidis, C. , Theriou, T. (2011). The impact of intellectual capital on firms’ market value and financial performance. *Journal of Intellectual Capital*, 12(1), 132-151.
  24. Mouritesen , J (1998) ,”Driving growth : economic value added versus Intellectual capital” , *Management accounting research* , Vol 9 , pp 461-482
  25. Mouritsen, J., Bukh, P.N. and Marr, B. (2004)."Reporting on intellectual capital: why, what and how?". *Measuring Business Excellence*, vol8. pp.46- 54.

- 
26. Park, J., Ko, C.Y., Jung, H., Lee, Y.S. (2016). Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 1-29.
  27. Richardson, G., Lanis, R., Leung, S.C.M. (2014). Corporate tax aggressiveness, outside directors, and debt policy: An empirical analysis. *Journal of Corporate Finance*, 25, 107-121.
  28. Rego, S. O. (2003). Tax-avoidance Activities of U.S. Multinational Corporation *Contemporary Accounting Research* 20: 805-833.
  29. Stewart,T.,(1997). "intellectual capital: the new wealth of nations",Doubleday dell publishing group, new York, NY.
  30. Zeghal, D. , Maaloul, A. (2010). Analysing value added as an indicator of intellectual capital and its consequences on company performance. *Journal of Intellectual Capital*, 11(1), 39-60.